

## بررسی تأثیر استراتژی‌ها و فناوری‌های نوین در تحول نظام وظیفه به ارتش حرفه‌ای

وحید سینائی\*

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

(تاریخ دریافت: ۱۷/۹/۱۸ - تاریخ تصویب: ۸/۲/۹)

چکیده:

با پایان جنگ دوم جهانی به تدریج تغییر و تحول در روش‌های تامین منابع انسانی ارتش‌ها و روی آوردن به نیروهای داوطلب و حرفه‌ای آغاز شد. فناوری‌های نوین نظامی، نیاز به نیروی انسانی متخصص و برخوردار از آموزش‌های پیچیده و تحول در استراتژی‌های نظامی نقش مهمی در این فرایند داشتند. دستیابی به سلاح‌های اتمی و پیشرفته، ناکارآمدی سربازان وظیفه در انجام وظایف محوله، اتخاذ استراتژی‌های نوین سیاست خارجی و امنیتی، روی آوردن برخی از کشورها به استراتژی‌هایی که تامین امنیت و دفع تهدیدهای نظامی را به سازمان‌های بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ وامی‌گذارد؛ موجب تحول در اشکال مرسوم تامین منابع انسانی در برخی از کشورها و عطف توجه آنان به نیروهای داوطلب و ارتش‌های حرفه‌ای شده است.

واژگان کلیدی:

خدمت سربازی، نظام وظیفه، ارتش حرفه‌ای، فناوری‌های نوین، استراتژی

Email: sinaee@um.ac.ir

\* فاکس: ۰۵۱۱۸۸۲۹۵۸۴

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی نگارنده تحت عنوان "بررسی دلایل تحول نظام وظیفه به ارتش حرفه‌ای" است که در دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است.

## مقدمه

سازمان‌های نظامی در قرون مختلف به اشکال متفاوت منابع انسانی مورد نیاز خود را تامین کرده‌اند. با ایجاد دولت-ملت، رشد ناسیونالیسم و طرح مفاهیمی مانند حاکمیت ملی و برابری، خدمت سربازی اجباری یا نظام وظیفه عمومی به منبعی برای تامین نیروی انسانی سازمان‌های نظامی کشورهای اروپایی تبدیل شد. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم همزمان با شکل‌گیری دولت‌های ملی در کشورهای غیراروپایی، نظام وظیفه به این کشورها نیز راه یافت. نظام وظیفه در کشورهای جهان آثار و کارکردهایی گوناگون داشته و در مجموع به تحکیم پایه‌های دولت-ملت و تداوم آن مدد رسانده است. اما با شایع شدن استراتژی‌ها و فناوری‌های نوین در جهان، مدتی است نظام وظیفه متحول و در برخی از کشورها برچیده شده است. هدف این مقاله بررسی نقش استراتژی‌ها و فناوری‌های نوین در تحول شیوه تامین نیروی انسانی در سازمان‌های نظامی از خدمت اجباری و وظیفه به خدمت داوطلبانه و حرفه‌ای است. مقصود از فناوری‌های نوین بهره‌گیری از سلاح‌های هسته‌ای و استراتژیک، هوشمند، ماهواره‌های نظامی و مخابراتی است و استراتژی‌های نوین، ناظر بر استراتژی‌های مبتنی بر فناوری‌های نوین و امنیت جمعی هستند که از نیمه دوم قرن بیستم به این سو به تدریج شایع شدند.

## سربازی در دوران پیشامدرن

در جوامع اولیه علی‌رغم وجود کشمکش و برخورد میان گروه‌های رقیب، جنگ و نبرد طولانی وجود نداشت. همه مردان هر روز به گردآوری یا تولید خوراک که ذخیره کردن آن به میزان زیاد امکان نداشت، اشتغال داشتند. از این رو، در این جوامع گروه‌هایی از مردان آزاد که به صورت همیشگی جنگ کنند یا حرفه آنان جنگیدن باشد و نیز فناوری‌های جنگی حتی در اشکال ساده و اولیه وجود نداشت. با شکل‌گیری دولت‌ها، عصر جنگ‌های طولانی و خونین آغاز شد. امپراتوری‌ها، دولت‌هایی بودند که با غلبه نظامی بر ملل و گروه‌های ضعیف‌تر بنیان نهاده شدند. استفاده از فلز برای تولید زره و سلاح و ارتش‌های ثابت یعنی گروه‌هایی از مردان که سرباز تمام وقت بودند، نخستین بار در این دولت‌ها پدید آمد. در جوامعی که موقعیت جغرافیایی، ازدیاد ثروت و قدرت آنها را به استفاده از نیروی دریایی وابسته می‌کرد؛ کشتی‌های جنگی و جنگجویان دریایی نیز بر نیروی زمینی افزوده شدند. این نیروها تمام وقت و حرفه‌ای بودند اما هسته دائمی و ثابت آنها کوچک و حفاظت از دربار و خاندان امپراتور یا پادشاه بر عهده آنان بود. آنها به هنگام جنگ و لشکرکشی‌های بزرگ از دهقانان برای سربازگیری استفاده می‌کردند (گیدنز، ۳۱۶: ۱۳۷۴). ساخت پراکنده قدرت و دولت در قرون وسطی،

سازمان ارتش‌های فئودال و سلسله مراتب حاکم بر آنها را تضعیف کرد. در این دوران، پادشاهان برای تامین نیروی جنگی ناچار از اتکا به دوک‌های مقتدر، واسال‌ها (Vassals) و سربازگیری از روستاییان دهکده‌های خود و کلیسا بودند (بلوخ، ۱۳۶۳: ۲۳۶). با تشدید منازعه بین پادشاهان و کلیسا و فراهم شدن بسترهای شکل‌گیری دولت‌های مطلقه (Absolutist state)، پادشاهان تشکیل ارتش‌های دائمی را سرلوحه برنامه و اقدامات خود قرار دادند. پایان بخشیدن به آشوب‌های داخلی، دفاع از مرزها و توسعه اقتدار شهریار مستلزم وجود ارتش منضبط، دائمی و وابسته به پادشاه و وجود این ارتش نیازمند تامین هزینه و اخذ مالیات بود. از سوی دیگر، گردآوری مالیات نیز به لشکریان منضبط بستگی داشت. سرانجام آنچه موجب تفوق نیروهای نظامی پادشاه بر فئودال‌ها شد رشد صنایع دستی و کارگاهی و اختراعات جدید در تسلیحات و نیز سازماندهی نوین بود که ارتش‌های دولت‌های مطلقه از آن بهره مند شدند. پایه‌های حکومت حکام مطلقه نه بر مزدورانی که خدمت خود را در بازار در معرض فروش می‌گذاشتند بلکه بر نیروهای ثابت و وفادار استوار بود (بشیریه، ۱۳۷۳: ۲۶۳).

### ارتش‌های ملی و نظام وظیفه

ارتش‌های حرفه‌ای کوچک دولت‌های مطلقه با ایجاد نظام وظیفه عمومی به ارتش‌های ملی تبدیل شدند. ارتش ملی به مفهوم جدید را لازار کارنو (Lazar Carnot) در انقلاب فرانسه ابداع کرد. اصل نظام وظیفه عمومی ارتباط میان ارتش و ملت را تقویت کرد (بشیریه، ۱۳۷۳: ۲۶۴). با ایجاد نظام وظیفه، خدمت سربازی از شکل داوطلبانه و مزدوری به وظیفه ای ملی، عمومی و اجباری تبدیل شد. در نتیجه امتناع از ورود به خدمت یا ترک خدمت، مشمول مجازات می‌شد. در ایجاد نظام وظیفه و رشد نیروهای مسلح چند عامل موثر بودند. نخست، افزایش جمعیت که امکان تشکیل ارتش‌های ثابت و بسیار بزرگ را فراهم کرد؛ دوم، سازماندهی‌های نوین و نظام‌های بوروکراتیک که امکان فراخوانی جوانان و سربازگیری و قراردادن نظامیان تحت انضباط و برقراری آموزش‌های منظم را بوجود آوردند. در نتیجه، ارتش‌ها مانند سازمان‌های دیگر دیوانسالار و کادر افسری به گونه‌ای فزاینده حرفه‌ای شدند. دیگر آنکه جنگ بطور مستقیم با صنعت پیوند خورد و تکنیک‌های صنعتی جدید شتابی عظیم به قدرت ویرانگر تسلیحات داد. افزون بر اینها حاکمیت و اقتدار ناشی از آن، ناسیونالیسم و رقابت قدرت‌های سرمایه‌داری در اروپا به شکل‌گیری ارتش‌های ملی و نظام وظیفه کمک شایان کرد.

انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ با طرح مفاهیمی مانند آزادی، برابری و حق حاکمیت ملی امکان بسیج عمومی و شکل‌گیری نظام وظیفه را فراهم کرد. قانون اساسی سال ۱۷۹۳ فرانسه، حق رای همگانی مردان و تشکیل ارتشی مبتنی بر بسیج ملی را تضمین کرد. بر اساس این

قانون هر فرانسوی سرباز ملی محسوب می شد. ناپلئون در سال ۱۸۱۳ با اتکا به بسیج ملی و سربازگیری عمومی توانست ارتشی یک میلیون و سیصد هزار نفری را احضار کند (گیدنز، ۱۳۷۴: ۳۷۵). با ایجاد نظام وظیفه و طرح مفاهیم جدید، عصر «جنگ‌های توده‌ای» آغاز شد. ارتش انقلابی فرانسه با اتکا بر همگانی بودن خدمت سربازی و «بسیج افراد ملت» توانست نقشه سیاسی اروپا را تغییر دهد (می‌یر، ۱۳۷۵: ۲۷). بدین ترتیب انقلاب فرانسه پیوندی بین حقوق همگانی و جنگ پردازشی جدید ایجاد کرد. موفقیت نظامی ارتش توده‌ای با انگیزه سیاسی، آگاهی ملت و درک وابستگی آن ملت به نیروی مسلح به مراتب بیش از پیام انقلابی اولیه آزادی، برابری و برادری در ایجاد پیوند جدید جنگ و دموکراسی دخیل بود. به دنبال «انقلاب فرانسه» ملت‌ها پدید آمدند؛ اکنون مردم می فهمیدند که جنگ نه فقط سرنوشت شاهان بلکه سرنوشت ملت‌ها را نیز تعیین می‌کند. به نظر می‌رسید پیروزی در جنگ به قدرت ملت‌ها بستگی دارد. اینک بهداشت و بهبود سطح زندگی مردم از تدابیر مهم و لازم برای جنگ تلقی می‌شد. بارزترین نمونه‌های توسعه دموکراسی به وسیله بسیج ملی در غرب عبارتند از: اصلاح حق رای در ایتالیا برای مشروعیت دادن به جنگ مستعمراتی ایتالیا در لیبی در سال ۱۹۱۲ و قانون انتخابات کانادا که برای هموار کردن راه ورود آن کشور به جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۷ تصویب شد. هدف از اعطای حق رای به مردم، نزدیک کردن آنان به دولت و سیاست جنگی آن و در مورد کانادا سست کردن مقاومت مردم در برابر خدمت نظام وظیفه نیز بود (دریورن، ۱۳۸۳: ۵۶۹).

در تعدادی از کشورهای غیرغربی نیز که از جانب قدرت‌های اروپایی و امریکایی شمالی تهدید می شدند فرمانروایان محلی بدین منظور به مردم حقوق سیاسی دادند که آنها را بسیج و برای جنگ تدافعی آماده کنند. در واقع این کشورها توان برتر قدرت‌های غربی را به نهادهای مشارکتی همگانی آنها نسبت می‌دادند. بنابراین، چنین نهادهایی را برای بسیج کردن مردم خود وارد و ایجاد کردند. نخستین نمونه این نوع توسعه دموکراسی در رویارویی با خطر استعمار، اصلاحات (تنظیمات) امپراتوری عثمانی در سال ۱۸۸۱ بود. در فرمان میجی، امپراتور ژاپن در سال ۱۸۸۱ نیز تدوین قانون اساسی که حقوقی قابل توجه را برای همگان تضمین کند نوید داده (و در سال ۱۸۸۹ ارائه) شد (دریورن، ۱۳۸۳: ۵۷۰).

امکان شرکت همه شهروندان در ارتش و جنگ از طریق قانون همگانی شدن خدمت نظامی گامی دیگر در از میان بردن امتیازات طبقات و نخبگان حاکم محسوب می شد. چه پیش از آن، رسیدن به مقامات بالای نظامی و فرماندهی تنها در صلاحیت اشراف و نجبا بود. در واقع در قرن نوزدهم در بطن ایده خدمت نظام وظیفه عمومی، گرایش مساوات طلبانه، دموکراتیک و ناسیونالیستی نهفته بود. به نظر فریدریک انگلس اجرای قانون نظام وظیفه در اروپا

برای دموکراتیزه کردن جامعه از قانون انتخابات عمومی و اعطای حق رای همگانی اهمیت بیشتر داشت (می، ۱۳۷۵: ۱۰۱). از این رو در اروپای قرن نوزدهم مدافعان حکومت موروثی و حفظ امتیازات سنتی، پس از تجربه برخورد با انقلاب فرانسه و ناپلئون بناپارت، نوعاً هوادار نیروهای نظامی کوچک حرفه‌ای و «مزدور» بودند. در حالی که عناصر سیاسی تندرو و آزادی خواه (لیبرال) خواهان «ملتی مسلح» بودند که در آن، همه مردان جوان آموزش نظامی دیده باشند. اشرافی که از رژیم سابق حمایت می‌کردند ارتشی را ترجیح می‌داند که بی چون و چرا حامی شاه باشد حتی اگر فرمان آتش کردن به سوی مردم معترض را دریافت کند. آنان خواهان نیروی مسلحی بودند که همه افسران عضو طبقه اشراف باشند، حتی المقدور با شخص پادشاه نسبتی دور داشته باشند و در هر حال به اصل موروثی بودن اقتدار پای بند باشند. رادیکال‌ها یا افراطیون، درست برعکس خواستار تشکیل ارتش‌های بزرگ‌تر بودند که به سبب در بر گرفتن همه مردم به کل ملت وفادار باقی بمانند. در چنین ارتشی، افسران از میان اعضای طبقه متوسط و چه بسا از طبقات فقیرتر برگزیده می‌شدند (کوستر، ۱۳۸۳: ۲۴۳).

بنیانگذاری دولت و ارتش ملی به تغییری در رابطه فرد و دولت انجامید. نظام وظیفه همگانی موجب شد به جای رهبران مذهبی، زمینداران بزرگ و مقامات محلی دولت بر اساس ضوابط قانونی و صرف نظر از تعلقات مذهبی، قومی، زبانی و وابستگی‌های طبقاتی اتباع خود را به خدمت نظام فراخوانند. این ضابطه‌ای انتزاعی و غیرشخصی بود که به همگان هویتی نوین می‌بخشید. اتباعی که به این ترتیب به خدمت نظام درمی‌آمدند در فضایی جدید، منضبط و جمعی از آموزش، لباس، خوراک، زبان و در مجموع شیوه زیست یکسان بهره مند می‌شدند. بدین ترتیب، ارتش به مدرسه‌ای برای آحاد ملت، نهادی برای تبلیغ وفاداری به دولت، فداکاری و جنگ برای وطن و ترویج شیوه‌ای جدید از زندگی و آموزش‌های ناسیونالیستی تبدیل شد. ویژگی‌های نظام وظیفه، آن را از انواع روش‌های سنتی تامین منابع انسانی برای نیروهای مسلح متفاوت می‌کرد. نخست آن که اجباری بود و تمام جوانان ذکور معمولاً با رسیدن به سن بین ۱۸ تا ۲۱ سال، برای مدتی معین در حدود دو سال، به خدمت اعزام می‌شدند. دیگر آنکه امتیازات اجتماعی، طبقاتی و محل زندگی اعم از شهر یا روستا مانع اعزام به خدمت سربازی نبود. همچنانکه تفاوت‌های زبانی، قومی و مذهبی نیز نمی‌توانست در معافیت از سربازی یا اعزام به آن موثر باشد. همه افراد ملت به اعتبار برخورداری از حق تابعیت و بهره‌مندی از مواهب زندگی در کشور خود، مکلف به ارائه خدمات نظامی به کشور بودند. البته این تکلیف، مادامی که شهروندان یک کشور در قید حیات بودند از آنان ساقط نمی‌شد اما به ویژه در دوران جوانی و میان سالی متوجه آنان بود. از این‌رو نظام وظیفه را معمولاً به مدت‌های طولانی بین ۲۵ تا ۳۰ سال تعیین می‌کردند که دو سال نخست آن به

دوره ضرورت و مابقی به دوره‌های احتیاط و ذخیره اختصاص می‌یافت. همه اینها غلبه رویکردهای ناسیونالیستی و برقراری روابطی جدید بین دولت و ملت را هویدا می‌کرد که نه بر علاقه‌های قومی، مذهبی و زبانی بلکه بر خاصه‌های ملی مبتنی بود. همه اتباع کشور با ادای سوگند وفاداری به دولت، زیرپرچم ملی خدمت می‌کردند. البته در قانون نظام وظیفه معمولاً معافیت‌هایی پیش‌بینی می‌شود اما این معافیت‌ها بر اساس ملاک‌های عام و غیرشخصی همچون معافیت‌های پزشکی، کفالت و تحصیلی است که در مورد اخیر حالت موقت دارد.

نظام وظیفه عمومی و اجباری به تدریج در کشورهای اروپایی و غیراروپایی رایج شد. در آغاز قرن بیستم در بین قدرت‌های بزرگ، بریتانیا و ایالات متحده تنها کشورهایی بودند که نظام سربازگیری همگانی یا خدمت وظیفه عمومی را نپذیرفته بودند. شرکت در جنگ جهانی اول به برقراری نظام وظیفه در بریتانیا منجر شد. ایالات متحده در سپتامبر ۱۹۴۰ پیش از آن که به جنگ جهانی دوم وارد شود نظام وظیفه را اجباری کرد (فرامیزان، بی تا: ۲۷). با اجباری شدن نظام وظیفه تعداد نیروهای مسلح ایالات متحده از ۲۱۰ هزار نفر در سال ۱۹۳۹ به ۱/۴ میلیون نفر در ژوئیه ۱۹۴۱ رسید (رونوون، ۱۳۷۵، جلد دوم: ۳۷۱).

### فرایند تشکیل ارتش‌های حرفه‌ای

واژه انضباط (discipline) که در اصل به معنای فرایند یادگیری است در قرن هفدهم به آموزش نظامی و رفتاری کنترل شده اطلاق می‌شد که این آموزش را بوجود می‌آورد. شکل‌های استاندارد شده سازمان نظامی پیش از همه در ارتش هلند پدید آمد و سپس به سرعت به سراسر اروپا گسترش یافت. موریس (Maurice) شاهزاده اورانژ (Orange) در قرن شانزدهم نخستین آکادمی نظامی را در اروپا تاسیس کرد. آموزه‌های او بعدها در سراسر قاره اروپا به صورت روش استاندارد درآمد. او یونیفورم و لباس‌های یکسان، قدم روی منظم و پابرداشتن افراد و دایر کردن خطوط فرماندهی را ابداع کرد. بدین ترتیب، ارتش‌ها مدلی برای توسعه بوروکراسی در خدمات اداری و سازمان‌های دیگر به وجود آوردند. از این دوران، ارتش‌های ثابت بزرگ که افراد در آن می‌توانستند یک دوره خدمت حرفه‌ای را طی کنند، به صورت ویژگی عمده جوامع امروزی درآمدند (گیدنز، ۱۳۷۴: ۳۷۴). فرایند حرفه‌ای شدن در ارتش‌های نوین، با کادر افسری آغاز شد. تا اوایل قرن نوزدهم، افسران معمولاً از طبقه اشراف یا مزدور بودند. برای دسته اول یعنی اشراف جنگ هنوز نوعی سرگرمی اما برای دسته دوم فعالیتی برای سود و منفعت مادی محسوب می‌شد. افسران مزدور گوش به فرمان هر فرمانده‌ای بودند که به آنها پول می‌داد. اصلاحات نظامی دولت پروس در اوایل قرن نوزدهم گامی دیگر برای حرفه‌ای کردن ارتش بود. برای استخدام افسران سیاست‌گزینش آشکار،

انتخابات کتبی و معیارهای منظم ترفیع برقرار شد. تا سال ۱۹۰۰ همه کشورهای بزرگ اروپایی، ایالات متحده و روسیه مدارس آموزش نظامی را با استفاده از شیوه‌های گزینش و ترفیع بوروکراتیک دایر کردند. در این دوران، افزون بر افسران، بخشی دیگر از کادرهای مورد نیاز ارتش برای دوره‌های معین زمانی استخدام می‌شدند. اما منبع اصلی تامین سربازان، کماکان نظام وظیفه اجباری بود.

وقوع دو جنگ جهانی در نیمه نخست قرن بیستم به تداوم نظام وظیفه و در مواردی احیای آن در جهان کمک کرد. اما با پایان جنگ جهانی دوم به تدریج حرکت به سوی ارتش‌های کاملاً حرفه‌ای آغاز شد. بریتانیا نخستین کشوری بود که از خدمت وظیفه اجباری فاصله گرفت. در آمریکا، خدمت نظام وظیفه پس از پایان جنگ ویتنام لغو شد. در واقع اگر پیش از این تمایل و آمادگی برای شرکت در جنگ، زمینه و مقدمه اجباری کردن نظام وظیفه بود؛ اینک تجربه جنگ، مطالعه رفتار، هزینه و فایده نظام وظیفه و تغییر علائق امنیتی و استراتژی‌های نظامی آمریکا، این کشور را به سوی تشکیل ارتش حرفه‌ای سوق داد. دولت فرانسه برنامه حرفه‌ای کردن ارتش را از سال ۱۹۹۶ در دستور کار خود قرار داد. مطابق این طرح سربازگیری به تدریج متوقف و ارتش پانصد هزار نفری فرانسه به ۲۶۰ هزار نفر تقلیل یافت. در ۲۷ ژوئن ۲۰۰۱ خدمت سربازی در فرانسه به طور کامل لغو شد (دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲ (الف): ۸). در سال ۱۹۹۹ در میان ۲۰ ارتش پر تعداد جهان، تنها نام شش کشور توسعه یافته دیده می‌شد. در سال ۲۰۱۰ در نیمی از کشورهای جهان، نظام وظیفه اجباری برقرار نیست. اینها شامل کشورهای هستند که نظام وظیفه را لغو کرده یا اساساً از بدو استقلال نظام وظیفه نداشته‌اند. در بین اینها کشورهای پیشرفته همچون ایالات متحده، انگلیس، فرانسه، ایتالیا، استرالیا، کانادا، ژاپن و نیز کشورهای در حال توسعه همچون اردن، مالزی، قرقیزستان، پاکستان، قطر و عربستان دیده می‌شوند. در برخی از کشورها از جمله اسپانیا، دانمارک، استونی، چک، فنلاند، نروژ و لهستان از سربازان وظیفه در قسمتهای غیررزمی یا خدمات غیرنظامی استفاده می‌شود (برای آگاهی بیشتر از وضعیت نظام وظیفه در کشورهای جهان (بگردید به: [www.nationmaster.com](http://www.nationmaster.com), Military Statistics > Concription (most recent) by country).

کرواسی یکی از آخرین کشورهایی است که نظام وظیفه اجباری را لغو کرده است. بر اساس مصوبه مجلس کرواسی از اول ژانویه ۲۰۰۸ خدمت داوطلبانه، جایگزین خدمت شش ماهه اجباری شد. لغو نظام وظیفه در این کشور با طی مراحل عضویت در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) همزمان بود (پایان خدمت نظام وظیفه اجباری در کرواسی، ۱۳۸۶/۱۲/۲).

با وجود روی آوردن بسیاری از کشورهای جهان به ارتش حرفه‌ای و الغای نظام وظیفه، در برخی از کشورهای جهان نظام وظیفه عمومی و اجباری کماکان برقرار است. اما در عمل

هر چه می‌گذرد بر دامنه معافیت‌ها، تسهیلات و پیش‌بینی انواع دیگر خدمات عمومی و عام‌المنفعه به جای خدمت اجباری در ارتش افزوده می‌شود. در آلمان با وجود آغاز روند حرفه‌ای ارتش از سال ۱۹۹۲، خدمت سربازی عمومی حذف نشده اما مدت آن را از ده ماه به نه ماه کاهش و تسهیلات قابل توجه به ویژه در ارتباط با حقوق مشمولان برقرار شده است. در این کشور حقوق مشمولین قابل توجه و حقوق مشمولین متاهل ۹۰ درصد میزان درآمد آنها پیش از شروع خدمت و وظیفه است. مشمولین می‌توانند خدمت خود را به دلایل مختلف مانند دانشجوی بودن، زندگی در خارج، در انتظار کودک بودن یا بروز مشکلات شدید برای آنان به تعویق اندازند و در مواردی چون بچه‌دار شدن، انجام خدمت داوطلبانه برای توسعه یا کشیش شدن خواستار معافیت از خدمت شوند (طالقانی، ۱۳۸۱: ۴۳). در فرانسه، پس از جنگ خلیج فارس و در دورانی که هنوز خدمت و وظیفه عمومی جریان داشت، به خدمت گرفتن سربازان عادی در ماموریت‌های خطر آفرین خارج از کشور ممنوع و شرکت در این ماموریت‌ها تنها بر عهده سربازان حرفه‌ای بود.

در برخی از کشورها با وجود ادامه نظام وظیفه، طول مدت خدمت حسب سطح تحصیلات متفاوت است و فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها برای مدت کوتاه‌تر به خدمت و وظیفه اعزام یا اساساً از خدمت و وظیفه معاف می‌شوند. در ترکیه دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها تنها هشت ماه خدمت می‌کنند حال آنکه مدت خدمت افراد بی‌سواد سه برابر آنهاست. در روسیه مدت خدمت فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها به یک سال کاهش یافته است. در چین همه پذیرفته شدگان دانشگاه‌ها و حتی کسانی که پس از دبیرستان شغل مناسب و مفید داشته باشند از خدمت سربازی معاف می‌شوند (گروه مطالعات سربازی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۲: ۸).

### تاثیر فناوری‌های نوین در تحول نظام وظیفه

عوامل روی آوردن کشورها به ارتش حرفه‌ای متنوع و متعدد است. برخی از این عوامل خاص یک یا چند کشور هستند. در کشورهای هند و پاکستان جمعیت زیاد و درآمد سرانه اندک اساساً از بدو استقلال ضرورت برقراری نظام وظیفه عمومی و اجباری را منتفی ساخته است. نیروهای مسلح در این کشورها با پرداخت حقوق، نیروی انسانی مورد نیاز خود را از میان خیل داوطلبان موجود برمی‌گزینند. در کشور پرجمعیتی مانند چین نیز هرچند خدمت وظیفه اجباری وجود دارد اما به شرحی که گفته آمد معافیت‌های گسترده، جامعیت و اجباری بودن نظام وظیفه را کمرنگ و عملاً تحت‌الشعاع قرار داده است. دست کم یک عامل مهم ارائه این معافیت‌های گسترده، جمعیت فوق‌العاده زیاد و وجود نیروی انسانی مورد نیاز و حتی بیش از حد نیاز در میان بخشی از مشمولان است. در برخی از کشورها کاملاً برعکس،



جمعیت اندک و درآمد سرانه زیاد باعث شکل نگرفتن نظام وظیفه و روی آوردن به ارتش‌های حرفه‌ای و مزدور شده است. نمونه بارز این دسته، کشورهای عربی جنوب خلیج فارس هستند. این کشورها که بیشتر در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ استقلال یافتند فاقد نظام وظیفه اجباری هستند و منابع انسانی نیروهای نظامی خود را به پشتوانه درآمدهای نفتی با استخدام نظامیان و سربازان بیشتر غیربومی تامین می‌کنند.

اما در میان کشورهایی که پیش از این دارای نظام وظیفه اجباری بوده و سپس برای تامین نیروی انسانی سازمان های نظامی خود به خدمت داوطلبانه و حرفه ای روی آورده اند تحول در فناوری های نظامی عامل شایعی است که به بی نیازی از نیروهای غیرحرفه ای انبوه و ناتوانی و ناکارآمدی این نیروها در استراژی ها و جنگ های نوین منجر شده است. به عبارت دیگر این عامل به صورت قهری بر کیفیت و کمیت نیروی انسانی مورد نیاز نیروهای مسلح این کشورها و سیاست جذب آنها اثرگذارده است.

دوری جستن بریتانیا از خدمت وظیفه عمومی و لغو آن در ارتباط مستقیم با دگرگونی در سیاست نظامی این کشور بود. بریتانیا نخستین کشوری بود که تلاش کرد بمب اتمی بسازد اما کمتر بودن مخاطرات و بیشتر بودن منابع در ایالات متحده باعث شد که این فعالیت‌ها در دوران جنگ جهانی دوم به آمریکا انتقال یابد. از سال ۱۹۴۵ کمیته‌ای به ریاست سرهنری تیزارد (Sir Henry Tizard) نتیجه گرفت که داشتن سلاح‌های اتمی باید اساس سیاست دفاعی آینده بریتانیا باشد. برنامه ساخت سلاح‌های اتمی در سال ۱۹۴۷ و کار در مورد تولید بمب‌های هیدروژنی در سال ۱۹۵۲ در بریتانیا آغاز شد. در سال ۱۹۵۷ «بزرگ‌ترین دگرگونی در سیاست نظامی در شرایط عادی» اعلام شد. در استراتژی جدید، سیاست نظامی بریتانیا مبتنی بر یک تشکیلات نظامی نسبتاً کوچک، همراه با در اختیار داشتن سلاح‌های هسته‌ای بود. بدنبال گزینش این استراتژی خدمت نظام وظیفه اجباری لغو شد. تعداد نیروهای مسلح به نصف کاهش یافت و برنامه‌هایی برای تجهیز هر سه نیرو با سلاح‌های هسته‌ای به اجرا درآمد (گیدنز، ۱۳۷۴: ۳۷۹).

جنگ جهانی دوم را پایان جنگ‌های مدرن و سرآغاز جنگ‌های پست مدرن نامیده اند. جنگ های مدرن از دهه نخست سال ۱۵۰۰ میلادی شروع شد و تا اواسط قرن بیستم ادامه پیدا کرد. جنگ پست مدرن اگرچه با جنگ مدرن بی ارتباط نیست اما تفاوتش آن قدر است که عنوان "پست مدرن" بر آن نهاده شود. مهمترین تفاوت به جایگاه و نقش اطلاعات، رایانه ها و تجهیزات چند رسانه ای و سیبرنتیک در جنگ های پست مدرن بازمی گردد. جنگ سیبرنتیک دارای سه مولفه متمایز است؛ اتکا به شیوه های علمی اداره جنگ، عنصر اطلاعات و تفسیر آن

و سرانجام تاکید بر نقش و جایگاه رایانه و قابلیت آن در پشت سر گذاردن مرزهای مرسوم زمانی و مکانی (گری، ۱۳۸۱: ۴۵-۴۶).

همان طور که جنگ مدرن به سربازان مدرن احتیاج داشت، جنگ پست مدرن نیز به سربازانی با مزایای نظامی جدید نیاز دارد که بتوانند پاسخگوی ملزومات شگفت انگیز جنگ متکی به فناوری عالی باشند. بخش از کار قالب ریزی این سربازان جدید برعهده امور استخدامی و بازاریابی است که در پیوندی متزلزل با مقررات و جامعه نظامی سنتی قرار دارد. اما از زاویه ای دیگر، جنگ افزارها خود در حال ساخت سرباز امروز و فردا هستند (گری، ۱۳۸۱: ۳۳۹-۳۴۰). سلاح از دیرباز نقش اساسی و مهمی در جنگ ایفا کرده است. اما امروزه سرباز از سلاحی که به کار می برد تاثیر نمی پذیرد بلکه اکنون سرباز را به گونه ای مورد تجدید ساخت و تجدید برنامه ریزی قرار می دهند که به صورت یکی از اجزای تشکیل دهنده سیستم تسلیحاتی در می آید. اساساً در هر برهه از تاریخ با ظهور فناوری ها، واقعیت جنگ و نیز منابع انسانی آن شکل تازه ای به خود گرفته است. از آنجا که پیدایش سلاح های هسته ای، شیمیایی، بیولوژیک و هوشمند موجب افزایش تلفات انسان می شود، تحقیقات گسترده ای نیز در زمینه حفاظت از سربازان به عمل آمده است. یکی از محصولات این تحقیقات تولید لباس بسیار سبکی است که سرباز آینده را روئین تن می کند. لباس های جدید شامل یک پوشش محافظت کامل فردی، شبکه رایانه ای و سامانه برق رسانی همراه هستند و عملکرد فردی را افزایش خواهند داد. این طرح ها یادآور موجودات تهدیدآمیز فیلم های علمی-تخیلی هستند. پوشش های زرهی جلیقه های ضد گلوله این لباس ها که با استفاده از فناوری نانو ساخته می شوند به فاصله شش تا هشت سانتیمتر از سطح بدن قرار می گیرند و آسیب های ناشی از شلیک گلوله یه سوی سرباز را به حداقل می رسانند (دیده بان پایش فناوری و نوآوری نظامی، ۱۳۸۳: ۴۳). این سربازان را اف ۱۶های پیاده می نامند چرا که تمام قابلیت هایی که یک هواپیمای اف ۱۶ در هوا می تواند به خلبان خود عرضه کند در اختیار خواهند داشت (برای آگاهی بیشتر از کاربردهای نانو فناوری در طرح "سرباز آینده" که در "موسسه نانو فناوری برای سربازان" وابسته به دانشگاه ام. آی. تی و سایر موسسات پژوهشی انجام می شود رک. به: دیده بان پایش فناوری و نوآوری دفاعی، ۱۳۸۴، صص ۶۰-۶۳).

### تاثیر استراتژی های سیاسی و امنیتی در تحول نظام وظیفه

برچیدن نظام وظیفه یا عدم برقراری آن در برخی از کشورها با انتخاب استراتژی های امنیتی خاص مرتبط بوده است. در میان کشورهایی که فاقد نظام وظیفه هستند برخی بر اساس شرایط و ویژگی های داخلی خود و در چارچوب سمت گیری های سیاست خارجی شان و روی آوردن به استراتژی های اتحاد و ائتلاف اساساً هیچگاه دارای سربازی اجباری نبوده اند. هم

چنانکه پیش از این گفته آمد کشورهای جنوبی خلیج فارس از این جمله‌اند. البته عدم نفوذ یا نفوذ اندک ناسیونالیسم، تاخیر در آغاز فرایند دولت- ملت سازی و جمعیت اندک از عوامل موثر در شکل نگرفتن نظام وظیفه در این کشورها بوده است؛ اما حتی کشورهای بزرگ‌تر در جنوب خلیج فارس نیز ترجیح داده‌اند با عضویت در پیمان‌ها یا عقد قراردادهای امنیتی- نظامی دوجانبه و اعطای پایگاه‌های نظامی، برای مقابله با تهدیدهای خارجی و تامین امنیت خود، بیشتر به قدرت‌های بزرگ متکی باشند. نیروهای نظامی این کشورها که داوطلب و بسیاری از آنها غیربومی هستند با وجود هزینه‌های سنگین و بهره‌مندی از پیشرفته‌ترین سلاح‌های آفندی تاکنون نقشی تعیین‌کننده در مقابله با تهدیدهای خارجی نداشته‌اند. آنها بیشتر در خدمت تامین امنیت داخلی و توجیهی برای خریدهای هنگفت تسلیحاتی بوده‌اند. کشورهای ذره‌ای (micro state) واقع در اروپا و اقیانوس آرام نیز که فاقد جمعیت، عمق استراتژیک و منابع لازم برای ایجاد نیروهای نظامی هستند به تبع نداشتن ارتش و نیروهای مسلح، نظام وظیفه اجباری نیز ندارند. آندورا، لیختن اشتاین و سن مارینو تامین امنیت خود را با عقد قراردادهایی به کشورهای بزرگ اروپایی مانند فرانسه و اسپانیا و کشور - جزیره‌های واقع در اقیانوس آرام به استرالیا واگذار کرده‌اند.

ایالات متحده آمریکا نخستین کشوری بود که در جریان جنگ جهانی دوم مجهز به بمب اتمی شد؛ با وجود این، نظام وظیفه در این کشور حتی با پایان جنگ لغو نشد. نظام دوقطبی، جنگ سرد، مسئولیت‌هایی که آمریکا پس از جنگ جهانی دوم در رهبری «جهان آزاد» برای خود قایل بود، مقابله با گسترش کمونیسم و دکترین‌های نظامی جاه طلبانه و مداخله در گوشه و کنار جهان عواملی بودند که علی‌رغم توانایی هسته‌ای آمریکا اجازه لغو نظام وظیفه اجباری را نمی‌دادند. با وجود این، تجارب حاصل از جنگ جهانی دوم، جنگ ویتنام و دکترین نیکسون (Nixon Doctrine) به تدریج بسترهای برچیده شدن نظام وظیفه را در این کشور فراهم آوردند. شاید بتوان گفت برخلاف انگلیس که سیاست دفاعی مبتنی بر سلاح‌های اتمی، آن کشور را به برچیدن نظام وظیفه ترغیب کرد؛ ناکارآمدی و ضعف‌های سربازان وظیفه امریکایی در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های نظامی این کشور که در جریان جنگ ویتنام به روشنی آشکار شد؛ سرانجام مقامات امریکایی را متقاعد کرد که نظام وظیفه را ملغی و به نیروهای داوطلب و حرفه‌ای روی آورند. مصاحبه‌های بسیار که با افراد چهارصد گردان پیاده نظام ارتش آمریکا در طول جنگ جهانی دوم به عمل آمد، نشان داد که به طور متوسط فقط ۱۵ درصد سربازان در نبرد تفنگ‌های خود را شلیک می‌کردند؛ حتی هنگامی که مواضع آنها مستقیماً زیر حمله قرار داشت و زندگی‌شان در خطر بود. این یافته‌ها برای افراد پیاده نظام هم تکان‌دهنده بود. زیرا هرکس گمان می‌کرد خودش تنها فردی است که از انجام دادن وظیفه اش خودداری می‌کند.

آنها هنگامی که دیگران به ویژه افسران، حضور داشتند سلاح‌های خود را شلیک می‌کردند اما هنگامی که تنها بودند چنین نمی‌کردند. بی میلی آنها برای شلیک کردن هیچ ارتباطی به ترس نداشت بلکه بازتاب عدم تمایل به کشتن بود، هنگامی که «هیچ نیازی» وجود نداشت (گیدنز، ۱۳۷۴: ۳۷۳). به نظر گوین دایر (Gwynne Dyer) که بررسی منظم و جامعی درباره جنگ و پرخاشگری به عمل آورده؛ کار ارتش‌ها در نهایت کشتن دشمن است و حال آنکه برای اکثریت عظیم مردم، کشتن می‌باید آموزش داده شود. «اما ارتش‌ها پر از این گونه افراد نیستند، آنها آن قدر نادرند که حتی در ارتش‌های حرفه‌ای کوچک تنها بخشی بسیار کوچک را تشکیل می‌دهند و اکثراً در نیروهای مزدور از نوع کماندو جمع شده‌اند. در ارتش‌های بزرگ که بر اساس خدمت نظام وظیفه تشکیل شده آنها عملاً تحت‌الشعاع تعداد انبوه افراد عادی‌تر قرار می‌گیرند و ارتش‌ها باید این مردان عادی را که اصلاً نبرد را دوست ندارند به کشتن ترغیب کنند (گیدنز، ۱۳۷۴: ۳۷۳).

جنگ ویتنام به امریکایی‌ها نشان داد که سربازان وظیفه حاضر در جنگ به دلیل ضعیف مهارتی، ترس از مجروح شدن، ناتوانی از کشتن و ... از کارآمدی لازم در جنگ برخوردار نیستند (دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲(ب): ۱۱). ناکامی ایالات متحده در جنگ ویتنام و مخالفت‌های گسترده با اعزام سربازان امریکایی به جبهه‌های جنگ، به تجدیدنظر در استراتژی "پاسخ انعطاف پذیر" منجر شد که از زمان جان اف کندی (F.Kennedy John) اتخاذ شده بود. «پاسخ انعطاف پذیر» به معنای بازسازی ارتش امریکا برای انجام واکنش‌های متناسب در مقابل هر نوع جنگی اعم از اتمی، محدود، چریکی یا آزادیبخش بود (یوفر، ۱۳۶۶: ۱۶۱-۱۵۸). این استراتژی که عملاً به معنای حضور مستقیم نیروهای امریکایی در جنگ‌های محدود و کوچک در گوشه و کنار جهان بود تا اندازه زیاد به تداوم نظام وظیفه اجباری در امریکا کمک کرد. اما دکتترین نیکسون که متحدین امریکا را تشویق می‌کرد مسئولیت امنیت داخلی و دفاعیشان را خود برعهده گیرند عملاً امکان لغو نظام وظیفه را در امریکا فراهم آورد (فونتن، ۱۳۶۲: ۱۷۳-۱۷۲). برچیدن نظام وظیفه و روی آوردن به نیروهای حرفه‌ای و داوطلب هم از دامنه مخالفت‌های داخلی با اعزام سربازان امریکایی به جبهه‌های جنگ و هم از ضعف‌های موجود در میان سربازان امریکایی می‌کاست.

در فرانسه نیز ناتوانی ارتش در پاسخ سریع و مناسب به شرایط اضطراری در جنگ اول خلیج فارس باعث روی آوردن به ارتش حرفه‌ای شد. حرفه‌ای شدن ارتش در فرانسه با مخالفت‌هایی نیز روبرو بود. مخالفین معتقد بودند سرباز وظیفه نشانه اراده ملت است. هزینه کمتر دارد و باعث ایجاد روح همدلی عمومی در مردم می‌شود. اما ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه به پشتوانه موافقت هفتاد درصد مردم فرانسه مصمم به خاتمه نظام وظیفه بود. او معتقد

بود هدف از حرفه‌ای کردن ارتش پاسخ سریع و توانایی انجام عملیات چندمنظوره است. در شرایطی که کارکنان وظیفه برای این اهداف کارایی لازم را ندارند کاهش طول مدت خدمت وظیفه هم فایده‌ای ندارد (علیزاده، ۱۳۸۲: ۳۷۷).

روی آوردن به استراتژی امنیت جمعی از دیگر عوامل موثر در کوچک شدن ارتش‌ها و برچیده شدن نظام وظیفه در برخی از کشورها بوده است. اکنون مدتی است که امنیت ملی در مناطقی از جهان به امنیت جمعی متحول شده است. این مناطق شاهد پشت سرگذاشتن دولت‌های ملی و مدرن عصر وستفاليا (Westphalia) و ورود به مرحله دولت‌های پست مدرن هستند (بوزان، ۱۳۷۹: ۱۵-۱۲). کشورهای عضو اتحادیه اروپا نمونه شاخص این کشورها هستند. فرایند ادغام این کشورها در نهادهای فراملی آنچنان تعمیق یافته که احتمال وقوع جنگ میان آنها منتفی شده است. در این میان، کشورهای کوچک عضو اتحادیه اروپا مانند لوگزامبورگ نه به دلیل پیشرفت فناوری‌های نظامی در کشور خود بلکه به دلیل از بین رفتن منابع تهدید نظامی از سوی همسایگان اروپایی‌شان ترجیح داده اند منابع محدود خود را برای دستیابی به پیشرفت و رفاه بیشتر شهروندان شان اختصاص دهند. در واقع آنها جنبه‌های نرم افزارانه تامین امنیت را خود برعهده گرفته و جنبه‌های سخت‌افزارانه آن را به متحدین قدرتمندشان سپرده‌اند.

## نتیجه

تحول در فناوری‌های نظامی و تغییر استراتژی‌های امنیتی و نظامی عاملی تعیین کننده در انتقال از نظام وظیفه به ارتش حرفه‌ای بوده است. این فرایند که پس از جنگ جهانی دوم و تحت تاثیر دستیابی بریتانیا به سلاح‌های هسته‌ای آغاز شد به تدریج به دیگر کشورها نیز راه یافت. البته در روی آوردن به ارتش حرفه‌ای جنبه‌هایی دیگر از تحولات استراتژیک نیز موثر بوده است. برجسته شدن جنبه‌های نرم‌افزارانه امنیت و تحول امنیت ملی به امنیت جمعی در مناطقی از جهان و پیشرفت‌های نوین در تکنولوژی‌های نظامی، باعث کاهش اهمیت کمیت نیروی انسانی شده است.

جنگ‌های اخیر در بالکان، افغانستان و خلیج فارس نشان داد که در عرصه رزم، برتری با دانش نظامی، عنصر تکنولوژی و نظامیان توانمند و قادر به استفاده از تسلیحات مدرن است. در جنگ‌های امروز ارتش‌ها به تجهیزات پیشرفته و هوشمند، انتقال سریع اطلاعات به نیروهای نظامی از طریق ماهواره‌ها، جابه‌جایی سریع نیروها و پرتاب سلاح‌های استراتژیک از مسافت‌های دور متکی هستند (برای اطلاع بیشتر از جنگ‌های نوین ر.ک. به: ناجی میدانی، ۱۳۸۲: ۱۷۹-۱۶۰). در چنین شرایطی اتکا به اشکال سنتی دفاع، اتکای صرف بر نیروی انسانی انبوه و استوار کردن استراتژی‌های نظامی بر نیروی انسانی می‌تواند فاجعه بار باشد. اعلام پایان نظام وظیفه در

کشورهایی نظیر فرانسه که بنیانگذار آن بودند نشان می‌دهد که عصر اتکا به سرچشمه‌های پایان یافتنی نیروی انسانی انبوه در عرصه جنگ در جهان معاصر خاتمه یافته است. کشورهای جهان اکنون می‌باید متناسب با شرایط بومی، راهبردهای امنیتی، سطح فناوری‌های نظامی، کیفیت و کمیت منابع انسانی و چشم‌اندازهای آتی آن و حیاتی‌تر از همه تامین و تضمین امنیت پایدار خود به الگوهای جدید و روزآمد تامین منابع انسانی نیروهای نظامی بیاندیشند.

## منابع و مأخذ:

### الف. فارسی:

۱. بشیریه، حسین، (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: نشر نی.
۲. بلوخ، مارک، (۱۳۶۳)، *جامعه‌فئودالی*، ترجمه بهزاد باشی، جلد دوم، تهران: انتشارات آگاه.
۳. بوزان، باری، (۱۳۷۹)، "امنیت ملی، دولت‌های مدرن و پست مدرن"، *گفتمان امنیت ملی*، کتاب اول، پائیز ۱۳۷۹، صص ۱۱-۳۵.
۴. بوهر، آندره، (۱۳۶۶)، *مقدمه‌ای بر استراتژی*، ترجمه مسعود کشاورز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۵. پایان خدمت نظام وظیفه اجباری در کرواسی، (۱۳۸۶/۱۲/۲) در: <http://www.irna.ir/2008/2/6>
۶. دربورن، گوران، (۱۳۸۳)، *جنگ و منازعه داخلی*، ترجمه نسرين طباطبایی در: سیمور مارتین لیپست، (زیرنظر)، (۱۳۸۳)، *دایره‌المعارف دموکراسی* (سه جلد)، ترجمه کامران فانی، نورالله مرادی (به سرپرستی)، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، جلد دوم صص ۵۷۳-۵۶۸.
۷. دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۸۲) (الف)، *مجموعه گزارش‌های کارشناسی درباره طرح خدمت وظیفه عمومی: ۶-نگاهی به ارتش‌های حرفه‌ای در جهان و دیدگاه‌های هواداران آن*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۸. دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۸۲) (ب)، *مجموعه گزارش‌های کارشناسی درباره طرح خدمت وظیفه عمومی ۳- بررسی اجمالی تحولات نظام وظیفه*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۹. دیده بان پیش‌فناوری و نوآوری دفاعی (۱۳۸۳)، سرباز آینده، سال اول، شماره اول، صص ۴۳.
۱۰. دیده بان پیش‌فناوری و نوآوری دفاعی (۱۳۸۴)، کاربردهای نانوفناوری در طرح "سرباز آینده"، سال اول، شماره سوم، صص ۶۰-۶۳.
۱۱. رونوون، پیر، (۱۳۵۷)، *بحران‌های قرن بیستم*، ترجمه احمد میرفندرسکی، جلد دوم، تهران: دانشگاه ملی ایران.
۱۲. طالقانی، حسین، (۱۳۸۱)، *بررسی کاستی‌های قوانین و مقررات خدمت نظام وظیفه عمومی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۳. علیزاده، احمد، (۱۳۸۲)، *مطالعه موردی تجربه چهار کشور در زمینه حرفه‌ای کردن ارتش با تاکید بر نظام وظیفه*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس.
۱۴. فرامیزان، ر.ا. (بی تا)، *نظام‌گیری و اقتصاد در ایالات متحده آمریکا*، ترجمه مرتضی کاظمی یزدی، تهران: نشر آذرنوش.
۱۵. فونتین، آندره، (۱۳۶۳)، *یک بستر و دو رویا*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر نی.
۱۶. کویستر، گئورک، امنیت ملی، ترجمه مراد فرهاد پور در: سیمور مارتین لیپست، (زیرنظر)، (۱۳۸۳)، *دایره‌المعارف دموکراسی* (سه جلد)، ترجمه کامران فانی، نورالله مرادی (به سرپرستی)، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، جلد اول، صص ۲۴۶-۲۴۰.

۱۷. گروه مطالعات سربازی دانشگاه صنعتی شریف، (۱۳۸۲)، پایان عصر ناپلئون، بولتن شماره یک .
۱۸. گری، کریس هیبلز(۱۳۸۱)، جنگ پست مدرن، ترجمه احمد رضا تقاء، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ.
۱۹. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۴)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۲۰. می یر، پیتر، (۱۳۷۵)، جامعه شناسی جنگ و ارتش، ترجمه علیرضا ازغندی و محمدصادق مهدوی، تهران: نشر قومس.
۲۱. ناجی میدانی، حسین، (۱۳۸۲)، «جنگ‌های نوین: ترکیبی از استراتژی تاکتیک و تکنولوژی جدید»، مجموعه مقالات سمینار جنگ الکترونیک، تهران: دانشگاه صنعتی شریف. صص ۱۵۹-۱۷۹.

**ب. خارجی:**

1. [http://www.nationmaster.com/red/graph/mil\\_con-military-conscription&b](http://www.nationmaster.com/red/graph/mil_con-military-conscription&b).